: https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.76528.1141
مقالهٔ پژوهشی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شمارهٔ ۱، بهار ۱۴۰۲، شمارهٔ پیاپی ۴۲

واکاوی عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای با رویکرد آینده‌پژوهی (موردپژوهی: استان آذربایجان شرقی)[1]

رسول قربانی (استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، نویسنده مسئول)
rghorbani@tabrizu.ac.ir
آمنه علی‌بخشی (دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)
amene.alibakhshi@tabrizu.ac.ir

صص ۲۰۸ ـ ۱۷۱

چکیده

با رشد جهانی‌شدن و تغییرات سریع در فضای جهانی، موضوع رقابت‌پذیری منطقه‌ای از اهمیت فزاینده‌ای برای شتاب‌بخشیدن به توسعه منطقه‌ای برخوردار شده است؛ ازاین‌رو پژوهش حاضر سعی دارد به واکاوی عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای در استان آذربایجان شرقی با استفاده از رویکرد آینده‌پژوهشی بپردازد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات موردنیاز از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی بهره گرفته شده است. با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی مبانی نظری، پیشینه موضوع و گردآوری عوامل اثرگذار بر رقابت‌پذیری استان آذربایجان شرقی پرداخته شده است. در روش میدانی نیز با بهره‌گیری از روش دلفی و پرسش‌نامه‌های مختلف به تکمیل اطلاعات

---

۱. این مقاله برگرفته از گزارش نهایی طرح پژوهش «بررسی تطبیقی رقابت‌پذیری شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی و عوامل مؤثر بر آن» است که از محل اعتبارات پژوهشی دانشگاه تبریز اجرا شده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۱/۱۳

موردنیاز اقدام شده است. در این پژوهش، ابعاد و شاخص‌های به‌دست‌آمده از روش کتابخانه‌ای، در قالب پرسش‌نامه در دو مرحله (مرحله اول، ۸۲ سؤال بسته و یک سؤال باز و در مرحله دوم، ۸٤ سؤال بسته) برای به دست آوردن عوامل نهایی در اختیار اعضای پنل دلفی قرار گرفت که درنهایت ۸٤ متغیر در ابعاد مختلف برای بررسی وضعیت رقابت‌پذیری منطقه‌ای استان آذربایجان شرقی انتخاب شد. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار میک‌مک استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از میان مجموع ۸٤ عامل تأثیرگذار، ١٦ عامل نقش کلیدی در رقابت‌پذیری منطقه‌ای استان آذربایجان شرقی دارند که از این میان هشت متغیر مربوط به بعد اقتصادی (کنترل کیفیت کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، نرخ ارز، سهولت راه‌اندازی کسب‌وکار، پتانسیل صادراتی، قوانین و سیاست‌های مالی، نوآوری/پتانسیل نوآوری)، سه متغیر مربوط به بعد نهادی-سیاسی (سطح روابط با همسایگان داخلی و خارجی، ثبات سیاسی کشور و منطقه، حمایت دولت از کسب‌وکارهای دانش-بنیان و نوآور)، سه متغیر مربوط به بعد اجتماعی-فرهنگی (روحیه کارآفرینی، امنیت سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی) و دو متغیر مربوط به بعد زیرساختی (کیفیت نیروی کار، توسعه زیرساخت‌ها) است.
کلیدواژه‌ها: رقابت‌پذیری منطقه‌ای، SPSS، میک‌مک، استان آذربایجان شرقی.

۱. مقدمه

برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان تلاش پیچیده و چندوجهی برای انطباق فرم و عملکرد یک شهر با نیازهای چندگانه ذی‌نفعان مختلف آن، طیف گسترده‌ای از روش‌ها را برای تغییر شکل فرم شهری گسترش می‌دهد که یکی از این روش‌ها رقابت‌پذیری است (هاین[1]، ۲۰۱۵، ص. ۸۸۲). کلمه «رقابت‌پذیری» در واژه انگلیسی «کامپتر» ریشه دارد که به معنی مشارکت در رقابت کسب‌وکار برای بازارها است. استفاده از این کلمه برای توصیف قدرت اقتصادی یک نهاد با توجه به رقبایش رایج است. درواقع، رقابت، مفهومی نسبی است (امرگی[2] و تامسون[3]،

1. Hein
2. Omoregie
3. Thomson

۲۰۰۱، ص. ۲۸۱) و در سطوح مختلفی ازجمله در سطح کشور، صنعت و سطح منطقه‌ای مطالعه می‌شود (فیورر[1] و چهارباغی[2]، ۱۹۹٤، ص. ٤۹؛ باکلی[3] و همکاران، ۱۹۸۸، ص. ۱٦؛ دلگادو[4]، ۲۰۱٦، ص. ۲۲). در این رابطه، جهانی‌شدن و اقتصاد مبتنی بر دانش و اطلاعات با از میان برداشتن مرز میان کشورها، موجب کاهش تدریجی جایگاه جغرافیایی رقابت‌های قلمروی از مقیاس ملی به منطقه‌ای شده است (پورصفوی و جعفری، ۱۳۹٦، ۸۰۸) و به نظر می‌رسد که رقابت منطقه‌ای مفهومی است که در میانه قرار گرفته است (هوبر[5] و همکاران، ۲۰۰۳، ص. ۳)؛ با وجود این، بحث درمورد رقابت منطقه‌ای ارتباط نزدیکی با جهانی‌شدن دارد که اغلب به‌عنوان فرایند اجتناب‌ناپذیر و تحمل‌نشدنی اعلام می‌شود و ادغام اقتصادی گسترده‌تر، عمیق‌تر و سریع‌تر را ایجاد می‌کند. درعین‌حال، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و تحرک (مردم، نیروی کار، ایده‌ها، محصولات، سرمایه‌گذاری‌ها)را تسهیل می‌کند و همچنین به رشد اقتصادی موفق در کشورها کمک می‌کنند. روی‌هم‌رفته، چشم‌انداز رقابتی جهانی را عمیقاً تغییر می‌دهد (پیرس[6]، ۲۰۲۰، ص. ۲٤۳) و هدف عمده آن تقویت مناطق غالب کنونی برای رقابتی‌تر کردن آن‌ها در بازار جهانی است (هاینتل[7] و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۱۷)؛ به همین دلیل، برخی مناطق قادر به جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی هستند؛ درحالی‌که برخی دیگر قادر به انجام این کار نیستند (مویرانگتم[8] و نگ[9]، ۲۰۲۰، صو ٦۱). در این زمینه معمولاً از عباراتی مانند «برندگان» و «بازندگان» استفاده می‌شود، اما گمراه‌کننده است؛ چراکه اگر دو منطقه با نرخ نسبتاً سریعی رشد کنند، تنها یک «بازنده نسبی» و یک «برنده نسبی» وجود دارد و هیچ برنده یا بازنده مطلق وجود ندارد (برگر[10]، ۲۰۰۹، ص. ۲٦)؛ پس تمرکز بر مناطق، اجماع روبه‌رشدی را نشان می‌دهد که آن‌ها واحدهای فضایی اولیه هستند و برای

1. Feurer
2. Chaharbaghi
3. Buckley
4. Delgado
5. Huber
6. Pires
7. Heintel
8. Moirangthem
9. Nag
10. Berger

جذب سرمایه‌گذاری رقابت می‌کنند و از سویی در سطح منطقه‌ای است که دانش در حال گردش و انتقال به تجمع خوشه‌های شرکت‌ها در بخش صنعت و خدمات منجر می‌شود (هاگینز[1]، ۲۰۱۰، ص. ٦۳۹)؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین بسترهای ایجاد شهری رقابت‌پذیر که قابلیت رقابت با شهرهای دیگر را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم می‌کند، توجه به شاخص‌های متداول و روز دنیا و عوامل مؤثر در عرصه رقابت است (قربانی و کاظمی‌زاد، ۱۳۹۸، ص. ۲۰)؛ چراکه شناخت شاخص‌های مؤثر بر رقابت‌پذیری نواحی مختلف و برنامه‌ریزی برای آن‌ها اساس کار محسوب شده و این امر سبب رفع نابرابری و تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب می‌شود؛ به همین دلیل، شهرها باید نقاط قوت و ضعف و عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری در شهرها را درک کنند که نه‌تنها بر توانایی خود در رقابت، بلکه بر رقبای خود نیز تأثیرگذار باشند (سائز[2] و پریانز[3]، ۲۰۱۵، ص. ٧٦). مطالب ذکرشده اهمیت رقابت‌پذیری را به‌صورت عام و رقابت‌پذیری منطقه‌ای را به‌صورت خاص گوشزد می‌کند؛ بنابراین لزوم وجود شرایط و زیرساخت‌های لازم برای ایجاد رقابت‌پذیری در شهرها و مناطق کشورهای درحال‌توسعه ازجمله ایران و نبود اطمینان ناشی از پیچیدگی محیطی، پیش‌بینی آینده برای توسعه رقابت‌پذیری را با مشکل مواجه کرده است؛ به‌گونه‌ای‌که با افزایش تغییرات و دگرگونی‌ها، اتکا به روش‌های برنامه‌ریزی مبتنی بر پیش‌بینی، جواب‌گوی نیاز مدیریت‌های کلان کشور نیست و سایه سنگین عدم قطعیت‌ها و ظهور رویدادهای ناپیوسته و شگفت‌انگیز، وضعیت را به‌گونه‌ای دگرگون کرده است که پیش‌بینی آینده برای برنامه‌ریزان، مشکل به نظر می‌رسد. ناتوانی در پیش‌بینی دقیق آینده و همچنین پیچیدگی‌های ناشی از تغییرات روزافزون باعث شده است تا محققان از قابلیت‌های دانش نوظهور آینده‌پژوهی بهره ببرند و آینده‌نگاری را وارد بطن فعالیت‌های برنامه‌ریزی و پیش‌بینی تحولات کنند (شمس و همکاران، ۱۳۹۵،ص. ۱۵۹)؛ بر این اساس، رویکرد آینده‌پژوهی می‌تواند چشم مردم را به رویدادها، فرصت‌ها و مخاطره‌های احتمالی آینده باز کند؛ ابهام‌ها، تردیدها و دغدغه‌های فرساینده آن‌ها را بکاهد و

1. Huggins
2. Saez
3. Perianez

توانایی انتخاب هوشمندانه جامعه و مردم را افزایش دهد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۳۸). در این زمینه با مطالعه و بررسی پیشینه تحقیق حاضر می‌توان اظهار کرد، با توجه به اینکه رقابت‌پذیری از عوامل پیشرفت و توسعه مناطق است و به لحاظ اهمیت اقتصادی فزاینده آن در توسعه و پیشرفت مناطق و کشورها، کارشناسان و اندیشمندان زیادی به بررسی این موضوع اقدام کرده‌اند، ولی بیشتر این مطالعات در زمینه رقابت‌پذیری در سطح شهرها بوده و در کمتر پژوهشی در رابطه با موضوع آینده‌پژوهی در زمینه رقابت‌پذیری منطقه‌ای، به مطالعه پرداخته شده است؛ بنابراین شناخت عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری استان‌های کشور، به‌مثابه نیروی محرکه توسعه در مقیاس‌های ملی و منطقه‌ای بسیار اهمیت دارد. در این میان، استان آذربایجان شرقی یکی از بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین استان‌های کشور در شمال غرب کشور است که با داشتن ۲۱ شهرستان دارای ظرفیت‌ها و مزیت‌های بالقوه زیادی در زمینه‌های مختلف انسانی، طبیعی، جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی است که آن را در مقایسه با بسیاری از استان‌های کشور متمایز کرده است و این مزایا و عوامل در سطح شهرستان‌های مختلف آن نیز متفاوت‌اند (سند آمایش استان آذربایجان شرقی، ۱۳۹۷، ص. ۸). در این راستا، بررسی عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی از مؤلفه‌های مهم برای برنامه‌ریزی شهری است؛ ازاین‌رو پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر رقابت‌پذیری در سطح شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با رویکرد آینده‌پژوهی در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش انجام شد: پیشران‌های کلیدی مؤثر بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای در استان آذربایجان شرقی کدام‌اند؟

۲. پیشینهٔ تحقیق

مطالعات متعددی درباره مفهوم رقابتی‌شدن وجود دارد که در این پژوهش به برخی از آن‌ها اشاره شده است؛ ازجمله ورچینسکی[1] و روسینسکی[2] (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان

1. RUCINSKA
2. RUCINSKY

«عوامل رقابت‌پذیری منطقه‌ای» به به بررسی رقابت‌پذیری منطقه و عوامل مؤثر بر ان پرداختند و دریافتند که عوامل اقتصادی ازجمله تولید، مکان، زیرساخت، ساختار اقتصادی، امکانات شهری و عامل استراتژیک مانند اثربخشی دولت، استراتژی شهری، همکاری بخش دولتی و خصوصی و انعطاف‌پذیری نهادی و همچنین نوآوری بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای اثرگذارند. گوندرسن[1] و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «موقعیت مکانی کار، حمل‌ونقل و رقابت شهری در اسلو» درباره برخی از عوامل اصلی‌ای بحث کرده‌اند که روابط پیچیده بین رقابت شهری، بومی‌سازی شرکت و سیستم‌های حمل‌ونقل را توضیح می‌دهند.

خضرایی شولای فر و کرکه‌آبادی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری شهری براساس مدل پیشنهادی سائز[2] با تکیه بر مفهوم هم‌رقابتی[3] در شهر تهران» به ارزیابی توان رقابت‌پذیری کلان‌شهر تهران به‌عنوان پایتخت و مقایسه آن با کلان‌شهرهایی از چهار منطقه مهم و استراتژیک کشور پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که امتیاز به‌دست‌آمده در زمینه رقابت‌پذیری برای کلان‌شهر تهران تقریباً به کلان‌شهرهای طراز اول اروپا مانند لندن، پاریس و مادرید نزدیک است. همچنین شیب ملایم کاهشی در امتیازات کلان‌شهرهای مشهد، تبریز و اهواز در مقایسه با تهران و نتیجه غیرقابل‌انتظار در نمره زاهدان مشاهده می‌شود. مولایی (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان «بازشناسی ظرفیت‌های رقابت‌پذیری شهری و منطقه‌ای هویت محور در شهر ارومیه» به ارائه مزیت‌های رقابت‌پذیری در شهر ارومیه در زمینه‌های طبیعی، جغرافیایی، تاریخی، فضایی_کالبدی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و ورزشی پرداخت و همچنین راهبردهای پیشنهادی در این زمینه را با تأکید بر شرایط شهر ارومیه ارائه کرد. صابونی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «رقابت‌پذیری شهرهای جدید» به بررسی وضعیت رقابت‌پذیری در شهر جدید پرند پرداختند و دریافتند که در بعد اقتصادی، مؤلفه سرمایه‌گذاری و در بعد سیاسی-نهادی، مؤلفه حاکمیت قانونی و سازمانی بیشترین تأثیر و در بعد اجتماعی، مؤلفه عدالت کمترین تأثیر را بر

1. Gundersen
2. Saez
3. Coopetition

رقابت‌پذیری شهر جدید پرند دارند. چراغی و همکاران (۱٤۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین نقش ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهرهای سنندج و زنجان» دریافتند که تأثیر بسیار زیاد ظرفیت‌سازی در امور شهری به‌طور عام و رقابت‌پذیری شهری به‌طور خاص نمایان است. دیگر مطالعاتی از این دست می‌توان به وکوویث و وی[1] (۲۰۱۰)، پاپسک[2] (۲۰۱۱)، عبدالله[3] (۲۰۱۲)، جیانگ[4] و شن[5] (۲۰۱۳)، سوئز[6] و پریانز[7] (۲۰۱۵)، کارگرسامانی (۱۳۹۳)، شریف‌زادگان و ندایی طوسی (۱۳۹۵)، محمدی آیدغمیش و رفیعیان (۱۳۹٦)، فیض‌پور و همکاران (۱۳۹٦)، اکبری (۱۳۹۷)، عیوضلو (۱۳۹۷)، گلزار طاهر (۱۳۹۷)، قربانی و کاظمی‌زاد (۱۳۹۸) و علی‌اکبری و همکاران (۱۳۹۸) اشاره کرد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات موردنیاز از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی بهره گرفته شد. با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی مبانی نظری و پیشینه موضوع و گردآوری ابعاد و شاخص‌های اثرگذار در رقابت‌پذیری استان آذربایجان شرقی پرداخته شد. در روش میدانی با بهره‌گیری از روش دلفی و پرسش‌نامه‌های مختلف به تکمیل اطلاعات موردنیاز اقدام شد. در این پژوهش ابعاد و شاخص‌های به‌دست‌آمده از روش کتابخانه‌ای، در قالب پرسش‌نامه در دو مرحله برای به دست آوردن عوامل نهایی در اختیار اعضای پنل دلفی قرار گرفت. در مرحله اول از ۸۲ سؤال بسته و یک سؤال باز و در مرحله دوم از ۸٤ سؤال بسته استفاده شد؛ به‌گونه‌ای‌که همه گویه ها در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) طراحی شد تا مؤلفه‌ها با توجه میزان اهمیت و میانگین آن‌ها برای به‌کارگیری در مرحله بعد تعیین شود. سپس با توجه اتفاق‌نظر کارشناسان درمورد متغیرهای موجود و ادغام با متغیرهای

1. Vukovic & Wei
2. Popescu
3. Abdullah
4. Jiang
5. Shen
6. SAez
7. Perianez

پیشنهادی، درنهایت ۸٤ متغیر در پنج بعد به‌منظور بررسی رقابت‌پذیری منطقه‌ای استان آذربایجان شرقی انتخاب شدند (جدول ۱).

جدول ۱. متغیرهای تأثیرگذار بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای استان آذربایجان شرقی

مآخذ: پنل دلفی، ۱٤۰۰ ، داداش پور و دهده جانی، ۱۳۹۳؛ داداش پور و احمدی، ۱۳۸۹؛ قربانی و کاظمی زاد، ۱۳۹۸ مولایی، ۱۳۹۸؛ نیفاتووا[1] و دادکو[2]، ۲۰۲۰؛ سیتکازیوا[3] و همکاران، ۲۰۱۸؛ روچینسکی[4] و روچینسکی[5]، ۲۰۰۷

بعد	متغیر
اقتصادی	بازارهای مالی منطقه‌ای (سیستم بانکی) (A1)، سطح دسترسی به مشتری خارجی (A2)، کنترل کیفیت کالا و خدمات (A3)، سرمایه‌گذاری خارجی (A4)، سرمایه‌گذاری بخش دولتی (A5)، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (A6)، تخصصی شدن تولید (A7)، مکانیزه شدن تولید (فناوری) (A8)، بنگاه‌های اقتصادی متوسط و کوچک (A9)، تورم (A10)، نرخ ارز (A11)، سطح رقابت آزاد و عادلانه افراد و شرکت‌ها (A12)، شایسته‌سالاری (A13)، سهولت راه‌اندازی کسب‌وکار (A14)، تعداد مشاغل دانش‌بنیان (A15)، سهولت اخذ تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات تأمین مالی (A16)، اندازه بازار (A17)، کارایی بازار کالا (A18)، توزیع متوازن فعالیت‌های اقتصادی در استان (A19)، پتانسیل صادراتی (A20)، قوانین و سیاست‌های مالی (A21)، نوآوری/پتانسیل نوآوری (A22)، ساختار اقتصاد کلان (A23)، سیاست‌های تشویقی صادرات (A24)، مکان‌یابی واحدهای تولیدی (A25)، برندسازی محصولات کشاورزی (A26)
اجتماعی-فرهنگی	سرانه تحصیلی و آموزشی (A27)، نرخ بیکاری (A28)، نرخ مهاجرت (A29)، حس امید افراد به آینده (A30)، پتانسیل فکری (A31)، حس غرور ملی و منطقه‌ای (A32)، اصلاح فرهنگ مصرف افراد (A33)، افق دید افراد در مسائل (A34)، روحیه کارآفرینی (A35)، امنیت عمومی (A36)، امنیت سرمایه‌گذاری (A37)، اعتماد مردم به مردم (A38)، اعتماد مردم به دولت (A39)، عدالت جغرافیایی (A40)، عدالت اجتماعی (A41)، سرمایه انسانی (A42)
زیرساختی	پهنای باند اینترنت (A43)، ضریب نفوذ اینترنت (A44)، حمل‌ونقل جاده‌ای (A45)، حمل‌ونقل هوایی (A46)، حمل‌ونقل ریلی (A47)، دانشگاه‌ها و مراکز فنی و حرفه‌ای (A48)، پژوهشکده‌های تخصصی (A49)، واحد تحقیق توسعه در شرکت‌ها (A50)، مؤسسات آموزشی و پژوهشی (A51)، شبکه تأمین برق (A52)، شبکه تأمین گاز (A53)، شبکه مهار و انتقال آب شرب، صنعتی و کشاورزی (A54)، کمیت نیروی کار (A55)، کیفیت نیروی کار (A56)، هتل (A57)، رستوران (A58)، توسعه زیرساخت‌ها (A59)، پتانسیل تکنولوژیک (A60)، خدمات بین‌راهی (A62)

1. Nifatova
2. Dudko
3. Seitkazieva
4. Rucinska
5. Rucinsky

بعد	متغیر
نهادی - سیاسی	موقعیت جغرافیایی (A62)، سطح روابط با همسایگان داخلی و خارجی (A63)، مشارکت مردم در تصمیم سازی (A64)، ثبات سیاسی کشور و منطقه (A65)، سیاست‌های مناسب دولت برای توسعه (A66)، سیاست‌های حمایتی دولت از تولید (A67)، ثبات تصمیمات سیاست‌مداران (A68)، سیاست‌گذاری کارآمد دولت برای مدیریت صحیح واردات و صادرات (A69)، حمایت دولت از کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و نوآور (A70)، آزادی تشکیل تشکل صنفی مستقل از دولت (A71)، حاکمیت قانون در جامعه (A72)، اجماع نخبگان سیاسی، مذهبی و فرهنگی بر جهت‌گیری کلان در سطح ملی (A73)، آمایش سرزمین و تدوین سیاست‌های اجرایی (A74)، نبود موازی کاری نهادها در جریان توسعه منطقه‌ای (A75)
محیطی- اکولوژیکی	برخورداری از منابع طبیعی منطقه‌ای و ملی (A76)، آلاینده‌ها و بلایای طبیعی (A77)، پوشش جنگلی و فضای سبز (A78)، فعالیت‌های مختلف در زمینه حفاظت آبخیزها (آبخیزداری، پیشگیری و مهار سیل و پخش و بهره‌برداری از سیلاب و روان آب‌های سطحی شهری و روستایی و...) (A79)، مرتع‌داری و اصلاح مراتع (A80)، تثبیت شن‌های روان و بیابان‌زدایی (A81)، انشعاب فاضلاب‌های شهری و روستایی (A82)، تصفیه‌خانه‌های فاضلاب (A83)، خاک (A84)

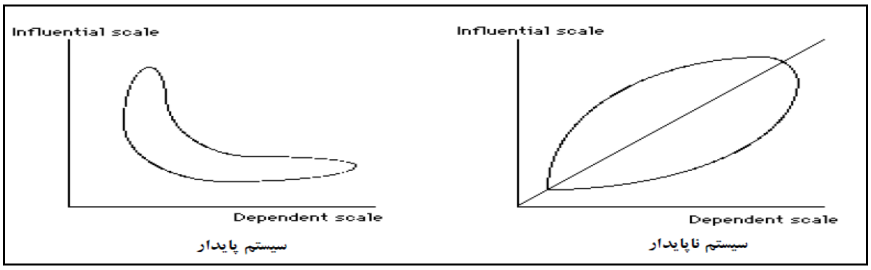
جامعه آماری پژوهش از دو گروه از خبرگان دانشگاهی و سازمانی که دارای شرایط مشخصی ازجمله تخصص و سوابق پژوهشی در زمینه مطالعات شهری و منطقه‌ای و همچنین سابقه کار در سمت مرتبط بودند، تشکیل شد. ازآنجاکه در منابع موجود در رابطه با مطالعات دلفی، اعضای پانل را بین ۱۵ تا ۳۵ نفر در نظر گرفته بودند، اعضای پانل در این پژوهش به‌صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند، ۲۳ نفر از افراد واجد شرایط انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS (آزمون T تک‌نمونه) به‌منظور تعیین میزان اتفاق‌نظر بین اعضای پانل در رابطه با انتخاب عوامل و همچنین نرم‌افزار میک‌مک برای به دست آوردن پیشران‌های کلیدی استفاده شد. نرم‌افزار میک‌مک این امکان را می‌دهد که با کمک گرفتن از ارتباط ماتریسی همه مؤلفه‌های اصلی یک سیستم را تشریح کند. با بررسی این ارتباط، این روش امکان آشکارسازی متغیرهای اصلی برای ارزیابی سیستم را ارائه می‌دهد. روش پیش‌بینی با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک را می‌توان در مراحل زیر خلاصه کرد که عبارت‌اند از:

مرحله اول: در این مرحله با استفاده از روش پویش محیطی به شناسایی متغیرهای مؤثر در رقابت‌پذیری پرداخته می‌شود. درواقع، اولین مرحله شامل بررسی همه متغیرهای شناسایی‌شده (متغیرهای درونی و بیرونی) داخل سیستم مدنظر است. باید توجه شود که به‌صورت جامع همه متغیرها در نظر گرفته شود. در ادامه از پنل دلفی در دو مرحله برای تأیید نهایی عوامل

شناسایی‌شده استفاده می‌شود؛ زیرا استفاده از نظر گروه‌ها و کارشناسان کمک می‌کند تا مجموعه متغیرها گسترده‌تر شود و به همه بازیگران احتمالی در سیستم مدنظر، توجه شود (تیموری، ۱۳۹۵، ص. ۸۵)؛

مرحله دوم: این مرحله، بررسی ارتباط بین متغیرها است. در این مرحله از ماتریس دودویی استفاده می‌شود.؛بدین صورت که متغیرهای موجود در سطرها بر متغیرهای موجود در ستون‌ها تأثیر می‌گذارند. متغیرهای سطرها، تأثیرگذار و متغیرهای ستون‌ها تأثیرپذیرند. میزان ارتباط متغیرها با اعداد بین صفر تا سه سنجیده می‌شود (ترکمن‌نیا، ۱۳۹۷)؛ بنابراین اگر تعداد متغیرهای شناسایی‌شده n باشد، یک ماتریس n*n به دست می‌آید که در آن تغییرات متغیرها بر یکدیگر مشخص می‌شود (طورانی، ۱۳۹۵، ص. ۵۳)؛

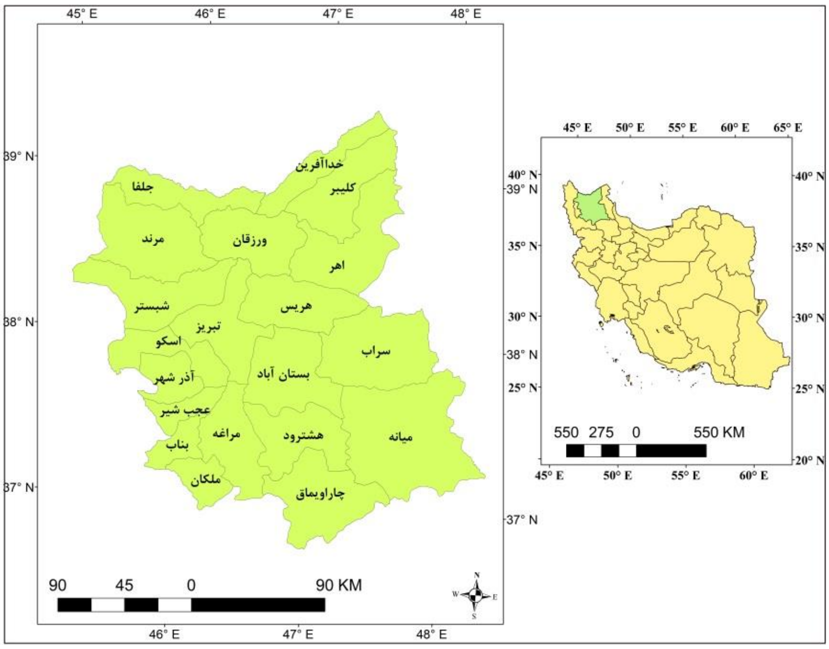
مرحله سوم: این مرحله شامل شناسایی متغیرهای کلیدی است. این کار با کمک گرفتن از طبقه‌بندی مستقیم و سپس با طبقه‌بندی غیرمستقیم انجام می‌گیرد. درواقعف نرم‌افزار میک‌مک پس از تحلیل داده‌ها، دو دسته گراف و نمودار را نشان می‌دهد که این گراف‌ها شامل اثرات مستقیم (برهم‌کنش داده‌های ماتریس اولیه) و غیرمستقیم (نتیجه محاسبه توان بیشتر و تکرار ماتریس اولیه) هستند و برای استخراج و تحلیل عوامل کلیدی از مقایسه این دو مورد بهره گرفته می‌شود. شایان ذکر است که نحوه پراکنش متغیرها روی این نمودارها (تأثیرات مستقیم یا غیرمستقیم) وضعیت سیستم را به لحاظ پایداری و ناپایداری نشان می‌دهد. روش دسته‌بندی متغیرها بدین صورت است که چنانچه متغیرها به‌صورت L شکل در نمودار پراکنده شده باشند، سیستم پایدار است و این حالت از سیستم نشانگر ثبات در متغیرهای تأثیرگذار و تداوم تأثیر آن‌ها بر سایر متغیرها است که شامل متغیرهای تأثیرگذار، تأثیرپذیر و متغیرهای مستقل است. درمقابل، چنانچه متغیرها از سمت محور مختصات به سمت انتهای نمودار و در حوالی آن پخش شده باشند، سیستم ناپایدار است و کمبود متغیرهای تأثیرگذار، سیستم را تهدید می‌کند. این سیستم شامل متغیرهای دووجهی، تأثیرگذار، تأثیرپذیر، مستقل و متغیرهای تنظیمی است.



شکل ۱. شکل شماتیک سیستم‌های پایدار و ناپایدار

مأخذ: ربانی، ۱۳۹۱

محدوده موردمطالعه پژوهش، استان آذربایجان شرقی است. این استان محدوده‌ای از ایـران اسلامی با حدود ۴۵۴۹۰٫۸۹ کیلومترمربع است که دارای ۳۹۰۹۶۵۲ نفر جمعیت است و از نظر تقسیمات استانی به ۲۱ شهرستان، ٤٦ بخش، ٦٤ شهر و ١٤٤ دهستان تقسـیم می‌شـود. اسـتان مذکور در گوشه شمال غربی فلـات ایـران قـرار دارد و بـا جمهـوری آذربایجـان، ارمنسـتان، آذربایجان غربی، زنجان و اردبیل مرز مشترک دارد. این استان منطقـه‌ای کوهسـتانی محسـوب می‌شود که حدود ۴۰ درصـد از سـطح آن را کوهسـتان، ۲۸٫۲ درصـد را تپـه‌ماهورها و ۳۱٫۸ درصد را زمین‌های هموار فراگرفته است و از دیرباز بـا توجـه بـه موقعیـت قرارگیـری آن در مسیر تاریخی راه ابریشم، نقش برجسته‌ای در بخش ترانزیت کالا در سطح کشور داشته است. علاوه بر این، با استقرار در محل اتصال قاره اروپا و آسیای میانه مزایای گسـترده‌ای در بخـش حمل‌ونقل و اقتصاد آن برای استان و کشور ایجاد کـرده اسـت. همچنـین بـه‌دلیـل دارا بـودن زیرساخت‌های مناسب بهداشت و درمان، به یکی از قطب‌های درمانی و بهداشتی کشور تبدیل شده است؛ به‌طوری‌که حوزه نفـوذ و خدمات‌رسـانی آن فراتـر از سـطح اسـتان‌ها اسـت و از استان‌های هم‌جوار نیز به‌منظور دریافت خـدمات پزشـکی و درمـانی بـه ایـن اسـتان مراجعـه می‌کنند. از سویی، این استان به‌دلیل موقعیت توپوگرافیـک و جغرافیـایی‌اش از توانمنـدی‌های درخورملاحظه‌ای از نظر منابع و مزیت نسبی در بخش کشاورزی، صنعت و معـدن برخـوردار است (سالنامه آماری استان آذربایجان شرقی، ۱۳۹۵؛ سند آمـایش سـرزمین اسـتان آذربایجـان شرقی، ۱۳۹۷).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی استان آذربایجان شرقی

مأخذ: ترسیم‌شده توسط نویسندگان، ۱٤۰۰

٤. مبانی نظری تحقیق

اهمیت مفهوم رقابت‌پذیری در سال‌های اخیر به‌سرعت افزایش یافته و مسائل درباره آن پیچیدگی‌های نظری و تجربی داشته است (هاگینز[1] و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۱٥٦) و با وجود اینکه در دهه‌های گذشته درباره رقابتی شدن تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است، هنوز درباره تعریف آن اجماعی وجود ندارد (دلگادو[2]، ۲۰۱٦، ص. ۲۲)؛ به بیان دیگر، در رابطه با رقابت‌پذیری می‌توان اظهار کرد که منشأ و مفهوم آن به اقتصاد سطح بنگاهی می‌رسد که در مسیر تکاملی خود قبل از ورود به مباحث منطقه‌ای، در ابتدا وارد مباحث اقتصادی توسعه در سطح ملی یا کلان اقتصادی شده است (بهمن پورخالصی و نوریان، ۱۳۹٦، ص. ۳٤) و با رشد جهانی‌شدن و تغییرات سریع در فضای جهانی، موضوع رقابت‌پذیری منطقه‌ای از

1. Huggins
2. Delgado

اهمیت فزایندهای برای شتاب بخشیدن به توسعه منطقهای برخوردار شده است؛ به‌گونه‌ای‌که از دهه ۱۹۹۰ میلادی، مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای در محافل عمومی کشورهای توسعه‌یافته و برخی کشورهای درحال‌توسعه به موضوع غالب تبدیل شده است تا کشورها از طریق آن به مجموعه روشنی از سیاست‌ها برای تقویت توسعه مناطق خود دست یابند (داداش‌پور و دهده جانی، ١٣٩٤، ص. ٢٧)؛ از همین رو، مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای از دو دیدگاه مختلف مدنظر قرار گرفته است: در دیدگاه اول، گروهی از محققان چون مایکل پورتر، با مبنا قرار دادن رقابت بنگاهی و با نگاه جزء به کل، مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای را به‌مثابه حاصل جمع رقابت‌پذیری خرد (حاصل جمع رقابت‌پذیری تک‌تک بنگاه‌ها) در نظر گرفته‌اند (بهمن پورخالصی و نوریان، ١٣٩٦، ص. ٣٤). درواقع، مدل الماس پورتر (PDM) برای رقابتی شدن بر استراتژی و شرایط خاصی تأکید می‌کند که رقابتی شدن یک کشور یا منطقه را هدایت می‌کنند (مویرانگتم[1] و نگ[2]، ۲۰۲۰، ص. ٦١)؛ دیدگاه دوم، مبتنی بر نظریه نو منطقه‌گرایی و دیدگاه نظری جغرافیای جدید اقتصادی است که تفسیر مجدد نقش پیشین سطوح منطقه‌ای را به‌دلیل ظهور موجودیت‌های فراملی و کم‌رنگ شدن نقش دولت- ملت‌ها ضروری می‌داند. اهمیت یافتن این انگاشت در سطح منطقه، مدیون مخالفان نظریه مرگ جغرافیا است که بر اهمیت بیش‌ازپیش منطقه، به‌عنوان مقیاسی مهم از سازمان فناورانه و اقتصادی در عصر جهانی‌سازی و دانش پایگی تأکید می‌کنند (کرسل[3] و سینگ[4]، ۲۰۱۲، ص. ۲۳۹).

به‌طورکلی، دیدگاه‌های نظری مؤثر بر انگاشت رقابت‌پذیری منطقه‌ای را می‌توان در سه دسته اصلی ردیابی کرد؛ بدین صورت که دسته اول مبتنی بر نظریه رشد نئوکلاسیک یا نظریه رشد برون‌زا است که رقابت منطقه را با هدف افزایش صادرات، تنها از طریق رشد پایه اقتصاد منطقه میسر می‌داند؛ دیدگاه نظری دوم مبتنی بر نظریه جغرافیای جدید اقتصادی است که در این رابطه پس از تأکید پورتر بر نقش خوشه‌ها در رقابت‌پذیری، بسیاری از نویسندگان با

1. Moirangthem
2. Nag
3. Kresl
4. Singh

رویکردی صریح‌تر به ارتباط میان اقتصاد و مکان پرداختند که همگی به ظهور نظریه‌های جغرافیای اقتصادی جدید منجر شد؛دیدگاه نظری سوم مبتنی بر نظریه رشد درون‌زا، توسعه بومی منطقه و نظریه شومپیتر است که در پاسخ به ناکارآمدی بسیاری از رهیافت‌های کلاسیک توسعه اقتصاد منطقه‌ای در مواجهه با پویایی‌های جهانی‌سازی و با اعتقاد به وجود رابطه نظری میان سرمایه‌گذاری در پژوهش و دانش، نوآوری و درنهایت، رقابت‌پذیری مطرح شده است (شریف زادگان وندایی طوسی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۰)؛ ازین‌رو برای رسیدن به توسعه متعادل و همه‌جانبه که به بهبود زندگی همه انسان‌ها منجر شود، به برنامه‌ریزی مناسب و بهینه در سطوح ملی و منطقه نیاز است که خود به اطلاعات از هر دو تجربه گذشته و دانش درباره آینده نیاز دارد (ایمانی، ۱۳۹۹، ص. ۲۲)؛ چراکه آینده اغلب به‌عنوان یک چیز جدید در نظر گرفته می‌شود که در آن اهداف، دور و دور از دسترس به نظر می‌رسند (جنکینز[۱]، ۲۰۲۱، ص ۷)؛ بنابراین درک اینکه آینده چه چیزی را به ارمغان خواهد آورد، آرمان عمیق در نوع بشر است (کورکی[۲]، ۲۰۲۰، ص. ۱۳) و فکر کردن به آینده همیشه بخشی از وجود انسان بوده است (پارکینن[۳] و هاینونن[۴]، ۲۰۱۸، ص. ۵)؛ زیرا ما در حال حاضر انتخاب‌هایی می‌کنیم که آینده ما را شکل می‌دهند (جنکینز[۵]، ۲۰۲۱، ص. ۷)؛ ازاین‌رو علاقه به آینده به ویژگی‌های اساسی شناخت انسان که امکان تفکر آینده‌پژوهی را فراهم می‌کند، مرتبط شده است (کورکی[۶]، ۲۰۲۰، ص. ۱۳) و در حال حاضر مطالعات آینده‌پژوهی یک زمینه چندرشته‌ای است (دولان[۷]، ۲۰۱٤، ص. ۱۱٤) که هدف آن، کشف آینده‌های جایگزین برای گسترش درک جهان و پیش‌بینی تغییرات در حال ظهور است (کوسیپالو[۸]، ۲۰۲۱، ص. ۷؛ فورس[۹]، ۲۰۲۰، ص. ۱۰)؛ به همین دلیل، سازمان‌ها به‌طور فزاینده‌ای تلاش می‌کنند تا آینده را در شرایط

1. Jenkins
2. Kurki
3. Parkkinen
4. Heinonen
5. Jenkins
6. Kurki
7. Dolan
8. Kuusipalo
9. Fors

همواره در حال تغییر پیش‌بینی کنند (پورو[1] و همکاران، ۲۰۱۹، ص ٨٤)؛ شـرایطی کـه در آن تکنولوژی به‌سرعت در حال تغییر است و کلان‌شهرها به‌دلیل جهانی‌شدن، به تفکر آینده‌پژوهی به‌منظور باقی ماندن در عرصه رقابت نیاز دارند (شرایبر[2]، ۲۰۱۹، ص. ٣٦).

در طول سال‌ها، دولت‌هـا و شـرکت‌ها شـروع بـه انجـام مطالعـات آینـده‌نگاری بـه‌منظور برنامه‌ریزی بهتر برای سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با تکنولوژی کردند؛ به‌طوری‌که پـیش از دهــه ۱۹٦۰، سازمان‌های آینده‌نگر اندکی وجود داشتند که اهمیت خاصی داشته باشند، امـا در دهــه ۱۹٦۰ تعداد زیادی هم در ایالات‌متحده و هم در بسیاری از کشورهای دیگر به وجـود آمدنـد (بالاندون[3]، ۲۰۲۰، ص. ۱). در دهه ۱۹۷۰، ژاپن به‌طور فعال در پروژه‌های دورنمای تکنولوژی براساس بررسی‌های پنج‌ساله دلفی مشارکت کرد و اروپای غربی نیز فعالیت‌هـای آینـده‌نگاری خود را در دهه ۱۹۹۰ براساس نظرسنجی‌های دلپور، عمدتاً برای توسـعه سیاسـت مربـوط بـه علم و فناوری آغاز کرد (ریالنـد[4] و ولـد[5]، ۲۰۰۹، ص. ٤)؛ بنـابراین فعالیت‌هـای آینـده‌نگاری ابزاری برای مدیریت تغییر هستند؛ چراکـه آینـده‌نگاری بـرای موفقیـت بلندمـدت سـازمان‌ها ضروری است (دوین[6] و همکـاران، ۲۰۱٤، ص. ٦٢)؛ مشـارکت در فعالیت‌هـای آینـده‌نگاری سازمان‌ها را برای آینده آماده می‌کنـد؛ توانـایی آن‌هـا را بـرای تشـخیص تغییـرات و آمـادگی به‌منظور پاسخ به آن تغییرات افزایش می‌دهد (جـان[7] و کـولر[8]، ۲۰۱۹، ص. ۹۱) و بـا اجـرای اقدامات دورنمای استراتژیک رسمی، قادر به تفسیر تغییرات و تأثیرگذاری بر دیگـر بـازیگران در محیط عملیاتی خود و درعین‌حال تقویت یادگیری سازمانی است (روهربک[9] و شـوارتز[10]، ۲۰۱۳، ص. ١٦٠٤)؛ ازاین‌رو مناسب‌ترین تعریف و توصـیف آینـده‌نگاری، تعریـف آماناتیـدو است که در آینده‌نگاری را براساس اهداف و منافع خود به سه بلوک ساختاری تقسیم می‌کند:

1. Pouru
2. Schreiber
3. Ballandonne
4. Rialland
5. Wold
6. Duin
7. Jahn
8. Koller
9. Rohrbeck
10. Schwarz

بلوک اول ایجاد دانش است؛ زیرا دانش، آینده‌پژوهی را به شکل چشم‌انداز استراتژیک و پیش‌بینی آینده جایگزین تولید می‌کند. برای انجام این کار از رویکردهای چندرشته‌ای و مبتنی بر شواهد، تعاملات و روش‌های مشارکتی استفاده می‌کند (سینککیلا[1]، ۲۰۲۱، ص. ۱۰). این روش‌ها همچنین یادگیری جمعی را بهبود می‌بخشند (مارتینز[2]، ۲۰۲۱، ص ۲۸)؛ بلوک دوم، ایجاد شبکه‌ها است؛ یعنی آینده‌نگاری شرکا و سهام‌داران را گرد هم می‌آورد و شبکه‌های همکاری، خلق مشترک، گفت‌وگو و مذاکره را می‌سازد (ریزیارت[3] و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۲۰٤)؛ بلوک سوم، تسهیل مشارکت و اقدام است؛ بدین صورت که آینده‌نگاری مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را تشویق می‌کند؛ نظرات و روابط متقابل را در نظر می‌گیرد و تعهد را افزایش می‌دهد. این امر به هم‌ترازی و هماهنگی تصمیمات، سیاست‌ها و اقدامات انجام‌شده توسط نمایندگان در جهت چشم‌اندازی مشترک از آینده کمک می‌کند (مارتینز[4]، ۲۰۲۱، ص. ۲۸).

---

1. Sinkkila
2. Martinez
3. Rhisiart
4. Martinez



شکل ۳. مدل مفهومی پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۵. یافته‌های تحقیق

در پژوهش حاضر ابتدا عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای استان آذربایجان شرقی با استفاده از روش پویش محیطی مشخص شدند و سپس این عوامل در قالب پرسش‌نامه در دو دور در اختیار اعضای پانل دلفی قرار گرفتند؛ بدین صورت که در دور اول از آن‌ها خواسته شد میزان اهمیت هرکدام از متغیرها را در رقابت‌پذیری شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی مشخص کنند و علاوه‌بر متغیرهای موجود، متغیرهای مدنظر خود را به فهرست اضافه کنند. در

دور دوم نیز برای تأیید نهایی، متغیرها در اختیار اعضای پانل قرار گرفتند. در این مرحله پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها برای بررسی پاسخ‌های داده‌شده از سوی کارشناسان در دو دور اول و دوم از پنل دلفی، برای تعیین میزان اتفاق‌نظر بین اعضای پانل و شناسایی عوامل نهایی مؤثر بر موضوع موردبررسی، از روش T تک‌نمونه استفاده شد. در این روش با توجه به اینکه از طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای برای تعیین اهمیت گویه ها بهره گرفته شد، عدد ۳ به‌عنوان عدد وسط و ممتنع برای انتخاب گویه‌های نهایی و توافق‌نظر کارشناسان در رابطه با آن‌ها در نظر گرفته شد. در این راستا با استفاده از آزمون T تک‌نمونه، برای حصول نتیجه نهایی، میانگین و انحراف معیار نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌های مختلف دورهای اول و دوم دلفی محاسبه شد. نتایج نشان می‌دهد، با توجه به اینکه اعضای پنل دلفی ۲۳ نفر بودند، انحراف معیار در دور اول در ابعاد اقتصادی (۳٦۷ درصد)، اجتماعی-اقتصادی (٤۷۲ درصد)، زیرساختی (٤۱٦ درصد)، نهادی-سیاسی (٤۲۲ درصد) و محیطی-اکولوژیکی (٦٤۹ درصد) و در دور دوم به‌ترتیب در ابعاد مختلف برابر با ۳٤۲ درصد، ۳۸۵ درصد، ۳۵۵ درصد، ۳۵۵ درصد و ٥٦٤ درصد بود و اختلاف زیادی با هم نداشتند. همچنین میانگین همه ابعاد بیشتر از ۳ بود که از حد وسط لیکرت (عدد ۳) بزرگ‌تر بود و نشان می‌دهد، خبرگان در رابطه با گویه ها در هر دو دور توافق‌نظر داشتند و گویه‌هایی که میانگین بیشتر از ۳ داشتند نیز به‌عنوان گویه‌های نهایی برای تحلیل‌های مرحله بعد انتخاب شدند.

جدول ۲. نتایج آزمون T تک‌نمونه برای محاسبه میانگین و انحراف معیار

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۰

دور اول			
ابعاد	**تعداد نمونه**	**میانگین**	**انحراف معیار**
اقتصادی	۲۳	٤,۲۱	۰,۳۷٦
اجتماعی-فرهنگی	۲۳	۳,۹۸	۰,٤۷۲
زیرساختی	۲۳	٤,۰۱	۰,٤۱٦
نهادی-سیاسی	۲۳	٤,۱۹	۰,٤۲۲
محیطی-اکولوژیکی	۲۳	۳,٦٤	۰,٦٤۹
دور دوم			

ابعاد	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار
اقتصادی	۲۳	٤,۲۱	۰,۳٤۲
اجتماعی-فرهنگی	۲۳	٤,۰۱	۰,۳۸۵
زیرساختی	۲۳	٤,۲۵	۰,۳۵۵
نهادی -سیاسی	۲۳	٤,۲۵	۰,۳۵۵
محیطی-اکولوژیکی	۲۳	۳,۷۷	۰,٥٦٤

برای اطمینان از وجود توافق جمعی در پاسخ اعضای خبرگان در دو مرحله از روش دلفی، میانگین پاسخ‌های آنان در دو مرحله با استفاده از روش توزیع در سطح اطمینان ۹۵ درصد بررسی شد. به دلیل اینکه تمامی مقادیر به‌دست‌آمده در ابعاد مختلف در سطح معناداری کوچک‌تر از خطای ۵ درصد بودند؛ آماره آزمون بزرگ‌تر از مقدار بحرانی ۱/۹٦ بود و حد بالا و پایین فاصله اطمینان در دو دور مثبت و بزرگ‌تر از صفر بود، با سطح اطمینان ۹۵ درصد، توافق جمعی حاصل شد و این دور دلفی برای شروع مرحله بعد پایان یافت (جدول ۳).

جدول ۳. نتایج آزمون T تک‌نمونه برای بررسی توافق جمعی در پاسخ اعضای خبرگان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۰

ابعاد	t	مقدار معناداری	درصد اطمینان: کرانه پایین	درصد اطمینان: کرانه بالا
دور اول				
اقتصادی	۱٥,٤۲٥	۰/۰۰۰	۱,۰٤٦۲	۱,۳۷۱۲
اجتماعی-فرهنگی	۹,۹٥۷	۰/۰۰۰	۰,۷۷٥٥	۱,۱۸۳٦
زیرساختی	۱۱,٦۰۷	۰/۰۰۰	۰,۸۲۷	۱,۱۸٦۸
نهادی -سیاسی	۱۳,٥۳٥	۰/۰۰۰	۱,۰۰۸۲	۱,۳۷۳۱
محیطی-اکولوژیکی	٤,٦۹٦	۰/۰۰۰	۰,۳٥٥	۰,۹۱٦۷
دور دوم				
اقتصادی	۱٦,۹٦۳	۰/۰۰۰	۱,۰٦۱۲	۱,۳٥٦۸
اجتماعی-فرهنگی	۱۲,٥۹۲	۰/۰۰۰	۰,۸٤۳۸	۱,۱۷٦٦

زیرساختی	۱۶,۹۴۶	۰/۰۰۰	۱,۱۰۱۱	۱,۴۰۸۲
نهادی -سیاسی	۱۶,۹۴۶	۰/۰۰۰	۱,۱۰۱۱	۱,۴۰۸۲
محیطی-اکولوژیکی	۶,۵۱۱	۰/۰۰۰	۰,۵۲۲۲	۱,۰۱۰۴

همان‌طورکه ذکر شد، با توجه به توافق نظر بین کارشناسان در رابطه با متغیرهای پیشنهادی و همچنین ادغام متغیرهای دور اول با دور دوم، درنهایت ۸۴ متغیر در پنج بعد اقتصادی (۲۶ متغیر)، اجتماعی-فرهنگی (۱۷ متغیر)، زیرساختی (۱۹ متغیر)، نهادی-سیاسی (۱۴ متغیر) و اکولوژیکی-محیطی (۹ متغیر) شناسایی شد. بررسی ویژگی‌های توصیفی جامعه آماری نشان می‌دهد، بیشترین تعداد کارشناسانی که در پژوهش حاضر همکاری داشتند، به لحاظ جنسیتی، مردان با ۵۲,۶۳ درصد و از حیث سنی بین ۳۱-۴۰ سال بودند و بیشتر آن‌ها تحصیلات دکتری داشتند و دانشگاهیان بودند.

جدول ٤. مشخصات جامعه آماری تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۰

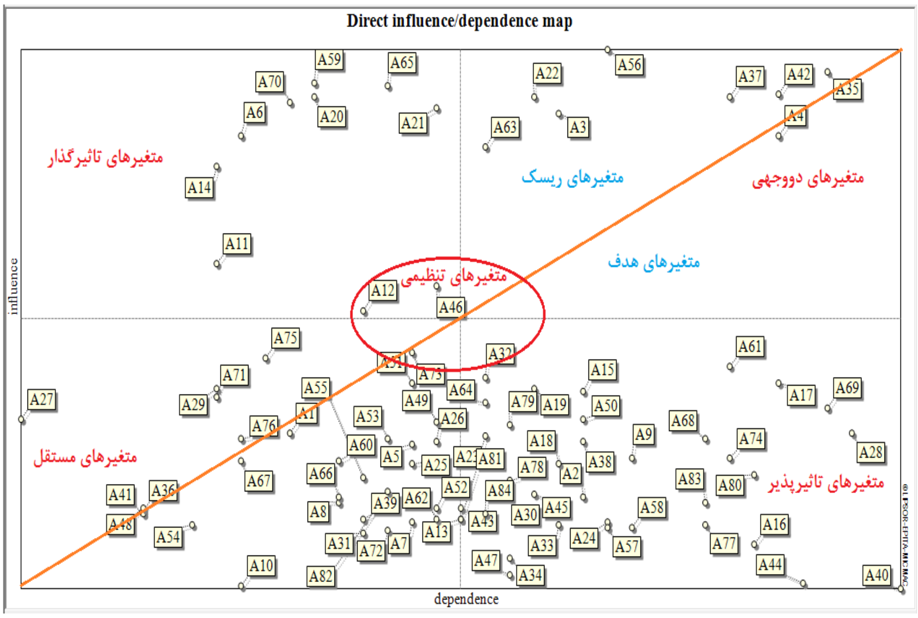
وضعیت		تعداد	درصد	وضعیت		تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۱۰	۵۲,۶۳	**تحصیلات**	دکتری	۱۶	۸٤,۲۱
	زن	۹	٤۷,۳۷		کارشناسی‌ارشد	۳	۱۵,۷۹
سن	بیشتر از ۵۰ سال	۰	۰		کارشناسی	۰	۰,۰۰
	٤۱-۵۰ سال	۱	۵,۲۶	**سازمان**	دانشگاه (استاد-دانشجو)	۱٤	۷۳,٦۸
	۳۱-٤۰ سال	۱۷	۸۹,٤۷		کارمند بخش دولتی	۵	۲٦,۳۲
	۲۰-۳۰ سال	۱	۵,۲٦		کارمند بخش خصوصی	۰	۰,۰۰

در ادامه برای به دست آوردن عوامل کلیدی مؤثر بر رقابت‌پذیری شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی، متغیرهای شناسایی‌شده در ماتریسی به ابعاد (۸٤*۸٤) جای‌گذاری شدند و برای ارزیابی تأثیر هریک از متغیرها بر دیگری، به‌صورت پرسش‌نامه در اختیار کارشناسان قرار داده شدند تا میزان تأثیرگذاری هر متغیر بر دیگری را به‌صورت اعداد صفر تا ۳[1] بسنجند.

۱. صفر=بدون تأثیر، ۱=تأثیرگذاری کم، ۲=تأثیرگذاری متوسط، ۳=تأثیرگذاری زیاد.

پس از جمع‌بندی پرسش‌نامه‌ها و میزان ارزش‌های به‌دست‌آمده، از نرم‌افزار میک‌مک بهره گرفته شد. بررسی ویژگی کلی داده‌ها و ماتریس تشکیل‌شده در نرم‌افزار میک‌مک بدین صورت است که درجه پرشدگی ماتریس ۵۷,۳۰ درصد است که نشان می‌دهد عوامل انتخاب‌شده تأثیر پراکنده‌ای بر همدیگر داشتند. از طرف دیگر، ماتریس براساس شاخص‌های آماری با دو بار چرخش داده‌ای از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۰۰ درصد برخوردار بوده که حاکی از روایی خوب پرسش‌نامه و پاسخ‌های آن است.

همچنین براساس نتایج حاصل از نمودار تحلیل اثرات مستقیم و پراکندگی متغیرها در اطراف محور قطری، در پژوهش حاضر، پنج نوع متغیر قابل‌تفکیک و شناسایی است که نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها است؛ بنابراین براساس نوع پراکنش متغیرها، سیستم مدنظر ناپایدار است (شکل ٤). در ادامه متغیرهایی که در این سیستم جای گرفته‌اند، به‌صورت مفصل آورده شده‌اند.



شکل ٤. پراکندگی متغیرها در نمودار تأثیرات مستقیم

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۰

متغیرهای ناحیه اول، متغیرهای تأثیرگذارند که اثربخشی آن‌ها بسیار بیشتر از اثرپذیری آن‌ها است. با توجه به شناسایی سیستم به‌عنوان سیستم ناپایدار، وجود تعداد زیاد عوامل تأثیرگذار در قسمت شمال غربی بعید به نظر می‌رسد؛ چراکه این محل در سیستم‌های پایدار دارای بیشترین تعداد متغیر است؛ بااین‌حال تعدادی متغیر در این بخش پراکنده شده است و بیشتر، متغیرهای اقتصادی و نهادی-سیاسی‌اند. این متغیرها عبارت‌اند از:

- بعد اقتصادی: سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (A6)، نرخ ارز (A11)، سهولت راه‌اندازی کسب‌وکار (A14)، پتانسیل صادراتی (A20)، قوانین و سیاست‌های مالی (A21)؛
- بعد نهادی-سیاسی: ثبات سیاسی کشور و منطقه (A65).

علاوه‌بر عوامل مذکور، چند عامل دیگر بر رقابت‌پذیری استان تأثیر بسیار زیادی دارند که در دسته‌های دیگر دسته‌بندی شده‌اند.

متغیرهای ناحیه دوم، متغیرهای دووجهی‌اند که دارای دو ویژگی مشترک یعنی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زیاد هستند و انجام عملی روی این متغیرها بر سایر متغیرها نیز تأثیر می‌گذارد. از مجموع ۸٤ متغیر، هشت متغیر در این گروه قرار دارند که عمدتاً در دسته متغیرهای اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، زیرساختی و نهادی سیاسی جای می‌گیرند. متغیرهای دووجهی به دو دسته متغیرهای ریسک و هدف تقسیم می‌شوند. متغیرهای «ریسک» در نمودار حول‌وحوش خط قطری ناحیه شمال شرقی نمودار قرار دارند. این متغیرها ظرفیت بسیار زیادی برای تبدیل‌شدن به بازیگران کلیدی سیستم دارند و عمدتاً متغیرهای مربوط به بعد اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی هستند. این متغیرها عبارت‌اند از:

- بعد اقتصادی: کنترل کیفیت کالا و خدمات (A3)، نوآوری/پتانسیل نوآوری (A22)؛
- بعد اجتماعی- فرهنگی: روحیه کارآفرینی (A35)، امنیت سرمایه‌گذاری (A37)، سرمایه انسانی (A42)؛
- -زیرساختی: کیفیت نیروی کار (A56)؛
- بعد نهادی-سیاسی: سطح روابط با همسایگان داخلی و خارجی (A63).

متغیرهای «هدف» نیز در زیرخط قطری ناحیه شمال شرقی نمودار قرار دارند. این متغیرها بیش از آنکه تأثیرگذار باشند، تأثیرپذیرند؛ بنابراین آن‌ها را می‌توان با قطعیت قابل‌قبولی به‌عنوان نتایج تکامل سیستم شناسایی کرد. با دست‌کاری این متغیرها می‌توان به تغییرات و تکامل سیستم در جهت مدنظر دست یافت. از بین مجموع متغیرها، متغیر سرمایه‌گذاری خارجی (A4) در این دسته قرار دارد.

متغیرهای ناحیه سوم به متغیرهای مستقل مربوط‌اند که دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کم هستند و در جنوب غربی نمودار تأثیرات مستقیم پراکنده شده‌اند. از میان متغیرهای مستقل، بیشترین تعداد متغیرها به‌ترتیب به ابعاد زیرساختی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و نهادی–سیاسی مربوط‌اند. این متغیرها عبارت‌اند از:

- بعد اقتصادی: بازارهای مالی منطقه‌ای (سیستم بانکی) (A1)، سرمایه‌گذاری بخش دولتی (A5)، تخصصی شدن تولید (A7)، مکانیزه شدن تولید (فناوری) (A8)، تورم (A10)، مکان‌یابی واحدهای تولیدی (A25)، برندسازی محصولات کشاورزی (A26)؛
- بعد اجتماعی–فرهنگی: سرانه تحصیلی و آموزشی (A27)، نرخ مهاجرت (A29)، پتانسیل فکری (A31)، امنیت عمومی (A36)، اعتماد مردم به دولت (A39)، عدالت اجتماعی (A41)؛
- بعد زیرساختی: دانشگاه‌ها و مراکز فنی و حرفه‌ای (A48)، پژوهشکده‌های تخصصی (A49)، مؤسسات آموزشی و پژوهشی (A51)، شبکه تأمین گاز (A53)، شبکه مهار و انتقال آب شرب، صنعتی و کشاورزی (A54)، کمیت نیروی کار (A55)، پتانسیل تکنولوژیک (A60)، خدمات بین‌راهی (A62)؛
- بعد نهادی–سیاسی: سیاست‌های مناسب دولت برای توسعه (A66)، سیاست‌های حمایتی دولت از تولید (A67)، حاکمیت قانون در جامعه (A72)، آزادی تشکیل تشکل صنفی مستقل از دولت (A71)، نبود موازی‌کاری نهادها در جریان توسعه منطقه‌ای (A75)؛

- بعد محیطی-اکولوژیکی: برخورداری از منابع طبیعی منطقه‌ای و ملی (A76)، انشعاب فاضلاب‌های شهری و روستایی (A82).

متغیرهای ناحیه چهارم به متغیرهای تأثیرپذیر مربوط‌اند که می‌توان آن‌ها را متغیرهای نتیجه نیز نامید. مهم‌ترین ویژگی‌های این متغیرها، تأثیرگذاری کم و تأثیرپذیری بسیار زیاد آن‌ها است که در قسمت جنوب شرقی نمودار قرار دارند. این متغیرها عبارت‌اند از:

- بعد اقتصادی: سطح دسترسی به مشتری خارجی (A2)، بنگاه‌های اقتصادی متوسط و کوچک (A9)، شایسته‌سالاری (A13)، تعداد مشاغل دانش‌بنیان (A15)، سهولت اخذ تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات تأمین مالی (A16)، اندازه بازار (A17)، کارایی بازار کالا (A18)، توزیع متوازن فعالیت‌های اقتصادی در استان (A19)، ساختار اقتصاد کلان (A23)، سیاست‌های تشویقی صادرات (A24)؛
- بعد اجتماعی-فرهنگی: نرخ بیکاری (A28)، حس امید افراد به آینده (A30)، حس غرور ملی و منطقه‌ای (A32)، اصلاح فرهنگ مصرف افراد (A33)، افق دید افراد در مسائل (A34)، اعتماد مردم به مردم (A38)، عدالت جغرافیایی (A40)؛
- زیرساختی: پهنای باند اینترنت (A43)، ضریب نفوذ اینترنت (A44)، حمل‌ونقل جاده‌ای (A45)، حمل‌ونقل ریلی (A47)، واحد تحقیق توسعه در شرکت‌ها (A50)، شبکه تأمین برق (A52)، هتل (A57)، رستوران (A58)، توسعه زیرساخت‌ها (A59)؛
- بعد نهادی-سیاسی: موقعیت جغرافیایی (A62)، مشارکت مردم در تصمیم‌سازی (A64)، ثبات تصمیمات سیاست‌مداران (A68)، سیاست‌گذاری کارآمد دولت برای مدیریت صحیح واردات و صادرات (A69)، حمایت دولت از کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و نوآور (A70)، آمایش سرزمین و تدوین سیاست‌های اجرایی (A74)؛٦

- بعد محیطی- اکولوژیک: آلاینده‌ها و بلایای طبیعی (A77)، پوشش جنگلی و فضای سبز (A78)، فعالیت‌های مختلف در زمینه حفاظت آبخیزها (آبخیزداری، پیشگیری و مهار سیل و پخش و بهره‌برداری از سیلاب و روان آب‌های سطحی شهری و روستایی و...) (A79)، مرتع‌داری و اصلاح مراتع (A80)، تثبیت شن‌های روان و بیابان‌زدایی (A81)، تصفیه‌خانه‌های فاضلاب (A83)، خاک (A84).

دسته آخر، متغیرهای تنظیمی است. این متغیرها در نزدیکی مرکز ثقل نمودار قرار دارند. درواقع، حالت تنظیمی دارند و گاهی به‌عنوان اهرم ثانویه عمل می‌کنند. این متغیرها که بسته به اهداف و برنامه‌ها برای رقابت‌پذیری می‌توانند به متغیرهای تأثیرگذار و ریسک تبدیل شوند، عبارت‌اند از:

- بعد اقتصادی: سطح رقابت آزاد و عادلانه افراد و شرکت‌ها (A12)؛
- زیرساختی: حمل‌ونقل هوایی (A46)؛
- بعد نهادی-سیاسی: اجماع نخبگان سیاسی، مذهبی و فرهنگی بر جهت‌گیری کلان در سطح ملی (A73).

با مقایسه نتایج تحلیل تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، متغیرها در تأثیرات مستقیم با درجاتی از جابه‌جایی در تأثیرات غیرمستقیم نیز تکرار شده‌اند؛ بنابراین در این قسمت از گروه‌بندی این متغیرها صرف‌نظر شده است.

۵. ۱. انتخاب عوامل کلیدی مؤثر بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای در استان آذربایجان شرقی

انتخاب عوامل کلیدی با بهره‌گیری از ماتریس تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌گیرد؛ بدین صورت که در تأثیرات مستقیم، متغیرهایی که در ناحیه اول (تأثیرگذاری بالا) و ناحیه دوم (متغیرهای دووجهی) قرار دارند، با توجه به اینکه این متغیرها دارای درجه اهمیت زیاد و قدرت تعیین‌کنندگی‌اند؛ تعیین‌کننده رفتار سیستم در درازمدت هستند و امتیاز زیادی در مقایسه با دیگر متغیرها کسب کرده‌اند، به‌عنوان عوامل کلیدی در سیستم انتخاب شده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش، از میان ۸٤ عامل مؤثر بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای استان آذربایجان شرقی، ١٦ عامل ازجمله کنترل کیفیت کالا و خدمات (A3)، سرمایه‌گذاری خارجی (A4)،

سـرمایه‌گذاری بخـش خصوصـی (A6)، نـرخ ارز (A11)، سـهولت راه‌انـدازی کسـب‌وکار (A14)، پتانسیل صـادراتی (A20)، قـوانین و سیاسـت‌های مـالی (A21)، نـوآوری/پتانسـیل نوآوری (A22)، کیفیت نیروی کار (A56)، توسعه زیرسـاخت‌ها (A59)، روحیـه کـارآفرینی (A35)، امنیت سرمایه‌گذاری (A37)، سرمایه انسـانی (A42)، سـطح روابـط بـا همسـایگان داخلـی و خـارجی (A63)، ثبـات سیاسـی کشـور و منطقـه (A65) و حمایـت دولـت از کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و نوآور (A70)، به‌عنوان عوامل کلیدی انتخاب شده‌اند. (جدول ٥). بررسی روابط غیرمستقیم متغیرها نیز حاکی از آن است که تمام ١٦ متغیر ذکرشده در تـأثیرات مستقیم، در تأثیرات غیرمستقیم نیز عیناً با تغییر کم در رتبه آن‌ها تکرار شده‌اند.

جدول ٥. عوامل کلیدی مؤثر بر رقابت‌پذیری شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٤٠٠

ردیف	تحلیل ماتریس تأثیر مستقیم (MDI)				تحلیل ماتریس تأثیر غیرمستقیم (MII)			
	متغیر	تأثیرگذاری مستقیم	متغیر	تأثیرپذیری مستقیم	متغیر	تأثیرگذاری غیرمستقیم	متغیر	تأثیرپذیری غیرمستقیم
١	A56	٢٩٤	A40	١٤٣	A56	٢٩٣	A40	١٤٢
٢	A35	٢٨٣	A28	١٤٠	A59	٢٧٧	A35	١٣٩
٣	A59	٢٧٧	A35	١٣٨	A35	٢٧٦	A69	١٣٨
٤	A65	٢٧٦	A69	١٣٨	A22	٢٧٦	A28	١٣٨
٥	A42	٢٧٢	A44	١٣٧	A20	٢٧٣	A44	١٣٧
٦	A20	٢٧١	A4	١٣٦	A37	٢٧٠	A17	١٣٥
٧	A22	٢٧١	A17	١٣٦	A42	٢٦٩	A16	١٣٥
٨	A37	٢٧١	A42	١٣٦	A21	٢٥٩	A80	١٣٤
٩	A70	٢٦٨	A16	١٣٤	A65	٢٥٨	A42	١٣٤
١٠	A21	٢٦٥	A80	١٣٤	A6	٢٥٥	A74	١٣٤
١١	A3	٢٦٢	A37	١٣٣	A70	٢٥٥	A4	١٣٣
١٢	A4	٢٥١	A61	١٣٣	A63	٢٥٠	A77	١٣٣
١٣	A6	٢٥١	A74	١٣٣	A3	٢٣٨	A37	١٣٣
١٤	A63	٢٤٦	A68	١٣٢	A4	٢٣٤	A61	١٣٣
١٥	A14	٢٣٦	A77	١٣٢	A14	٢٢٨	A68	١٣١

ردیف	تحلیل ماتریس تأثیر مستقیم (MDI)				تحلیل ماتریس تأثیر غیرمستقیم (MII)			
	متغیر	تأثیرگذاری مستقیم	متغیر	تأثیرپذیری مستقیم	متغیر	تأثیرگذاری غیرمستقیم	متغیر	تأثیرپذیری غیرمستقیم
۱۶	A11	۱۸۷	A83	۱۳۲	A11	۱۸۲	A83	۱۳۱

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در کشور ما از ابتدای برنامه‌ریزی ملی همواره به جنبه‌های منطقه‌ای توسعه توجه شده و از برنامه سوم توسعه، تفکر منطقه‌ای به‌ویژه مفهوم تمرکززدایی وارد متون برنامه‌ریزی شده و تاکنون ادامه داشته است؛ بااین‌حال، به گواهی اطلاعات موجود، طرح‌های توسعه ملی در منطقه‌ای کردن توسعه منطقه‌ای و تقویت رقابت‌پذیری منطقه‌ای چندان موفق نبوده‌اند؛ زیرا نتوانسته‌اند نابرابری‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فضایی بین مناطق را کاهش دهند. فقر شدید در برخی نقاط کشور، نابرابری فرصت‌های شغلی، توزیع نابرابر امکانات و درنتیجه سیل مهاجرت از پیرامون به مرکز، همچنان از موضوعات اصلی توسعه کشور است. در این سال‌ها بی‌توجهی به پتانسیل‌ها و امکانات مناطق که می‌تواند به توسعه منطقه‌ای و ارتقای رقابت‌پذیری منطقه‌ای منجر شود، باعث تداوم و گاه تشدید نبود تعادل در فضای سرزمینی شده و توسعه مناطق را به امری حاشیه‌ای تبدیل کرده است؛ ازاین‌رو با گذشت چندین دهه از ورود مفهوم برنامه‌ریزی منطقه‌ای در متون نظری و تجربی برنامه‌ریزی در ایران، دستیابی به توسعه متوازن با تأکید بر مزیت رقابتی، تمرکززدایی جمعیت، فعالیت‌ها و امکانات، همچنان دغدغه اصلی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بوده است. از سوی دیگر باید توجه داشت که برنامه‌ریزی‌ها، پیش‌بینی‌ها و اقدامات انجام‌شده در زمینه رقابت‌پذیری و انتخاب استراتژی مناسب با توجه به دیدگاه‌های سنتی مدیریت شهری مؤثر نبوده و پیش‌بینی‌ها روند قبلی را طی نکرده است. از طرفی، ظهور عوامل نوظهور، تسهیل کانال‌های ارتباطی و سرعت تغییر یا شدت و ضعف نقش برخی عوامل در طول زمان و مشکلات ناشی از مدیریت شهری با دیدگاهی از بالا به پایین، همگی باعث شده‌اند که اقدامات و پیش‌بینی‌های مناسبی در این زمینه اندیشیده نشود؛ پس آنچه لازم است، بازنگری در رویکردهای کلان مدیریتی و استفاده

از ابزارهای جدید در برنامه‌ریزی است؛ ابزاری که در آن موج سوم مدیریت (تغییر برای انطباق با محیط آینده) در آن معنا پیدا می‌کند؛ به عبارت دیگر، در محیطی پر از تغییر و بی‌ثباتی و عدم قطعیت، رویکرد و سیاستی که بیشترین احتمال موفقیت را دارد، تلاش برای معماری آینده است.

استان آذربایجان شرقی به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچری خود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از اهمیت زیادی برای کشور برخوردار است. درواقع، این استان با توجه به ویژگی‌هایی مانند امکان ترانزیت کالا به قفقاز و ترکیه و امکان تبدیل‌شدن به مرکز تجارت و خدمات در قفقاز، مدنظر مدیریت ملی و منطقه‌ای قرار گرفته است؛ بااین‌حال، با وجود اجرای چندین برنامه عمرانی پس از انقلاب در کشور و استان، تغییر چشمگیری در استفاده از این توانمندی‌ها در استان ایجاد نشده و به لحاظ توسعه این استان در جایگاهی شایسته و متناسب با مأموریت‌های ملی و استانی قرار نگرفته است؛ بنابراین آنچه در این زمینه نیاز است که مدنظر بیشتر مدیریت شهری و منطقه قرار گیرد، شناسایی وضعیت و عوامل کلیدی مؤثر بر رقابت‌پذیری و سرمایه‌گذاری در آن‌ها توسط مدیریت استانی برای افزایش سطح رقابت بین شهرستان‌های این استان و خود استان با دیگر استان‌ها در سطح منطقه و کشور است تا از این طریق، زمینه توسعه‌یافتگی استان فراهم شود؛ بنابراین در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی به شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای در استان آذربایجان شرقی اقدام شد؛ چراکه جست‌وجوی عوامل کلیدی در ابعاد طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مزیت‌های رقابتی پایداری را پیش روی رقابت‌پذیری می‌نهد که اتکا بر آن‌ها آینده‌ای مطلوب را نمایان می‌کند.

در راستای مطالب مذکور، در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل ساختاری و نرم‌افزار میک‌مک به شناسایی عوامل کلیدی و پیشران مؤثر بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای استان آذربایجان شرقی اقدام شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، از مجموع ۸٤ عامل اولیه تأثیرگذار بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای محدوده موردمطالعه، ۱٦ عامل به‌عنوان عوامل کلیدی انتخاب شدند که از این میان هشت متغیر به بعد اقتصادی (کنترل کیفیت کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، نرخ ارز، سهولت راه‌اندازی کسب‌وکار، پتانسیل صادراتی،

قوانین و سیاست‌های مالی، نوآوری/پتانسیل نوآوری)، سه متغیر به بعد نهادی–سیاسی (سطح روابط با همسایگان داخلی و خارجی، ثبات سیاسی کشور و منطقه، حمایت دولت از کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و نوآور)، سه متغیر به بعد اجتماعی–فرهنگی (روحیه کارآفرینی، امنیت سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی) و دو متغیر به بعد زیرساختی (کیفیت نیروی کار، توسعه زیرساخت‌ها) مربوط بود.

با توجه به یافته‌های پژوهش و در راستای ۱٦ عامل انتخاب‌شده به‌عنوان عوامل کلیدی، سه متغیر نوآوری، حمایت دولت از کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و نوآور و همچنین سرمایه انسانی، جزو کلیدی‌ترین و مهم‌ترین عواملی هستند که آینده رقابت‌پذیری منطقه‌ای استان آذربایجان شرقی را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند. در این رابطه، همان‌طورکه در اصل ۱۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها آمده است، دولت با حمایت از این شرکت‌ها، زمینه‌ساز افزایش نوآوری و بهره‌گیری بهینه‌تر از سرمایه انسانی در جهت توسعه و افزایش رقابت‌پذیری مناطق می‌شود. در این رابطه، مناطق و استان‌های مختلف ازجمله آذربایجان شرقی با تکیه بر این اصل می‌توانند از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های انسانی خود به نحو نیکو بهره گیرند. در کنار موارد ذکرشده، روحیه کارآفرینی و سهولت راه‌اندازی کسب‌وکار نیز از دیگر عوامل مهم در مبحث رقابت‌پذیری استان هستند؛ زیرا کارآفرینی از فعالیت‌هایی است که می‌تواند به‌نوعی برطرف‌کننده بسیاری از چالش‌های عمده استان همچون درآمد کم، بیکاری، نبود تنوع اقتصادی و... باشد؛ به همین دلیل، امروزه در بیشتر مناطق مختلف دنیا توجه خاصی به افراد موفق و کارآفرین می‌شود؛ زیرا فعالیت‌های کارآفرینی با اثربخشی زیاد به توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال، نوآوری در فعالیت‌ها، رقابت‌پذیری مناطق و مانند این‌ها منجر می‌شوند؛ بر این اساس، سیاست‌گذاری در زمینه رقابت‌پذیری منطقه‌ای در استان آذربایجان شرقی، در گام نخست مستلزم فراهم کردن بسترهای موردنیاز ازجمله زیرساخت‌های نوین تولید و توسعه درون‌زا مبتنی بر آموزش و ارتقای سرمایه‌های انسانی و پیش‌زمینه‌های نوآوری و کارآفرینی است.

عامل دیگری که نقش مهمی در آینده رقابت‌پذیری منطقه‌ای استان آذربایجان شرقی دارد، کیفیت کالا و خدمات و کنترل آن است؛ زیرا کیفیت جزو جدایی‌ناپذیر هر محصول و خدمتی به شمار می‌رود که مناطق مختلف با استفاده از آن می‌توانند به رقابت با یکدیگر بپردازند؛ بر این اساس، مناطق مختلف باید زیرساخت‌های فنی و مدیریتی مناسبی را فراهم کنند تا با طراحی دیدگاه راهبردی به خلق زمینه‌های بروز خلاقیت، نوآوری بپردازند و با بررسی مستمر محیط کسب‌وکار و کنترل کیفیت کالا و خدمات، گام مؤثری در این مقوله بردارند. از دیگر عوامل کلیدی مؤثر در مبحث رقابت‌پذیری استان آذربایجان شرقی، سه عامل سرمایه‌گذاری خارجی، بخش خصوصی و امنیت سرمایه‌گذاری است. در این رابطه شاید بتوان گره اصلی توسعه استان و محدودیت‌های حاکم بر آن را موضوع سرمایه‌گذاری دانست که به‌صورت جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی قابل‌طرح است و به‌دنبال آن، امنیت به‌عنوان چالشی‌ترین پیوند با موضوع سرمایه‌گذاری، همواره در کنار آن مطرح بوده و با توجه به اهمیت آن برای بخش خصوصی که بخش عمده سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده است، ضرورت توجه به موضوع امنیت سرمایه‌گذاری را به‌عنوان یک عامل مشترک اجتناب‌ناپذیر کرده است؛ بنابراین محدودیت درآمد استان و همچنین وجود مناطق ویژه سرمایه‌گذاری خارجی و منطقه آزاد ارس در سطح استان به‌عنوان پل اقتصادی ایران در شمال غرب کشور و منطقه قفقاز، تلاش مدیریت شهری و استانی را برای برنامه‌ریزی‌های متناسب برای افزایش امنیت سرمایه‌گذاری و جلب سرمایه‌گذاری بخش داخلی و خارجی می‌طلبد. از طرفی با علم به اینکه یکی از روش‌های توسعه تجارت در هر منطقه و استانی، شناخت دقیق پتانسیل‌های اقتصادی- تجاری خود و شرکای تجاری عمده آن است، کارشناسان پتانسیل صادراتی را به‌عنوان دیگر عامل کلیدی مؤثر بر رقابت‌پذیری استان آذربایجان شرقی برگزیدند؛ زیرا آذربایجان شرقی به‌عنوان یکی از قطب های مهم صنعتی، معدنی و کشاورزی کشور می‌تواند با شناسایی پتانسیل‌های صادراتی خود در زمینه‌های مختلف صنعتی، معدنی و کشاورزی و همچنین طراحی برنامه‌های مختلف در این جهت، به سطح قابل‌قبولی در زمینه رقابت‌پذیری و توسعه منطقه‌ای دست یابد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه رشد اقتصاد تحت‌تأثیر عاملی همچون سیاست‌های مالی دولت قرار دارد و این سیاست‌ها به شکل‌های مختلف ازجمله ثبات

اقتصادی، تخصیص منابع و کارایی تخصیصی توزیع درآمد و عدالت اجتماعی بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارند، عامل قوانین و سیاست‌های مالی از دیگر عوامل کلیدی بحث‌شده در این پژوهش است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین و مستقیم‌ترین اثرات سیاست مالی بر رشد، از طریق مالیات‌ها صورت می‌گیرد و با به‌کارگیری ابزار مالیاتی از سوی دولت، بسیاری از بنگاه‌ها در تصمیمات تخصیصی خود ناچار به تجدیدنظر خواهند بود؛ بدین‌ترتیب، با بروز این انحراف در تصمیمات تخصیصی بنگاه‌ها، حتماً زیان خالصی در رفاه اجتماعی به وجود می‌آورد. همچنین هرگاه اعمال سیاست‌های مالی دولت به بروز نا اطمینانی در ساختار مالیاتی و مخارج دولتی منجر شود، بازدهی نهایی سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی با نوسان مواجه می‌شود؛ درنتیجه با افزایش نااطمینانی بخش خصوصی درباره بازدهی آتی سرمایه‌گذاری‌ها، بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌های این بخش کاهش یافته و رشد اقتصادی نیز کاهش می‌یابد. در کنار مباحث مطرح‌شده، ثبات سیاسی کشور و منطقه و همچنین سطح روابط با همسایگان داخلی و خارجی از دیگر عوامل کلیدی مؤثر بر رقابت‌پذیری استان آذربایجان شرقی و کشور ایران است؛ چراکه بی‌ثباتی در ساختارهای سیاسی می‌تواند آثار بسیار مخرب و زیانباری را بر پیکره اقتصاد کشورها تحمیل کند و عملکرد اقتصادی‌شان را تحت‌تأثیر قرار دهد. این بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند به متزلزل شدن حقوق مالکیت فردی منجر شود که مانعی برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و معاملات اقتصادی است و پیش‌بینی را نیز غیرممکن می‌کند؛ دیگر اینکه این بی‌ثباتی احتمال شرکت افراد فرصت‌طلب را در فعالیت‌های واسطه‌گری افزایش می‌دهد که منابع را به‌سوی فعالیت‌های غیرمولد سوق می‌دهند. از دیگر متغیرهای کلان اقتصادی که بیش از سایر متغیرها با بخش خارجی ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی دارد و همچنین نقش بسیار مؤثری در رقابت‌پذیری استان آذربایجان شرقی و کشور ایران ایفا می‌کند، نرخ ارز است؛ زیرا امروزه ارزش پول کشورها نه‌تنها تحت‌تأثیر سیاست‌های اقتصاد داخلی و خارجی قرار می‌گیرد، بلکه نوسانات ارزی در بازارهای جهانی نیز بر ارزش پول و به‌تبع آن بر تجارت خارجی آن‌ها اثرگذار است. با گسترش دامنه تجارت بین‌الملل، نرخ ارز به‌عنوان پل ارتباطی بین اقتصادهای مختلف عمل می‌کند و نوسانات آن بر سایر متغیرهای اقتصادی کشور و استان تأثیر می‌گذارد. آخرین عامل کلیدی در رقابت‌پذیری استان آذربایجان

شرقی، توسعه زیرساخت‌های شهری است. زیرساخت‌ها به‌عنوان بخش اصلی و پایه‌ای تأسیسات و تجهیزات شهری، یکی از پیش‌نیازهای تداوم و استمرار رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیر بنایی هر منطقه‌ای هستند؛ به همین دلیل، اقتصاد درحال‌رشد باید از خدمات کافی ازجمله حمل‌ونقل، نیروی برق، مخابرات، آب و بهداشت و محل انباشت مواد زائد، همراه با امکانات آموزشی و بهداشتی برخوردار باشد تا بتواند در نوسازی و ایجاد تنوع در محصولات، توسعه تجارب، کنترل جمعیت و... توفیق یابد؛ باعث افزایش رقابت مناطق برای جذب سرمایه‌گذارهای داخلی و خارجی، نیروهای خلاق و ارتقای رشد صنعت آن شود و طیف وسیعی از منافع را برای اقتصاد ملی و منطقه‌ای ایجاد کند.

به‌طورکلی براساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که نتایج تحقیق حاضر در زمینه اثرگذاری عواملی ازجمله نوآوری/پتانسیل نوآوری، روحیه کارآفرینی، حمایت دولت از کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و نوآور، کیفیت نیروی کار و سرمایه انسانی با نتایج پژوهش‌های شریف‌زادگان و ندایی طوسی (۱۳۹۵) در رابطه با به‌کارگیری مؤلفه‌های موفقیت رقابت‌پذیری منطقه‌ای در ایران، مطالعه پورصفوی و جعفری (۱۳۹٦) در رابطه با ارزیابی رقابت‌پذیری منطقه‌ای در مناطق شهری عملکردی در استان مازندران، پژوهش خضرایی شولای‌فر و کرکه‌آبادی (۱۳۹۷) در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری در شهر تهران، پژوهش ساسانی و همکاران (۱۳۹۸) در رابطه با ارائه مدل رقابت‌پذیری منطقه‌ای مبتنی بر ساختار اکوسیستم کارآفرینی دانش‌بنیان، مطالعه چراغی و همکاران (۱٤۰۰) در رابطه با نقش ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهرهای میانی ایران و پژوهش ورچینسکی[1] و روسینسکی[2] (۲۰۰۷) در رابطه با عوامل رقابت‌پذیری منطقه‌ای همسوست. همچنین براساس نتایج این پژوهش، از نظر مؤلفه‌هایی همچون سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، امنیت سرمایه‌گذاری، ثبات سیاسی کشور و منطقه، کنترل کیفیت کالا و خدمات و نرخ ارز، این پژوهش با نتایج پژوهش قربانی و کاظمی‌زاد (۱۳۹۸) در رابطه با تحلیل عوامل مؤثر در رقابت‌پذیری شهری بر پایه سناریونویسی، مطالعات صابونی و همکاران (۱۳۹۹) درباره

1. RUCINSKA
2. RUCINSKY

رقابت‌پذیری شهرهای جدید و صابونی و همکاران (۱۳۹۹) در زمینه رقابت‌پذیری شهرهای جدید در شهر پرند هم‌راستا است. به‌منظور افزایش رقابت‌پذیری استان و ارتقای جایگاه توسعه و رقابت‌پذیری آن در سطح کشور، پیشنهادها و راهکارهایی ارائه می‌شوند که عبارت‌اند از:

- لزوم توجه به وضعیت زیرساخت‌های شهری به‌عنوان عامل کلیدی مهم در توسعه رقابت‌پذیری در بخش‌های مختلف به‌منظور افزایش میزان رقابت آن با دیگر استان، به‌خصوص توجه ویژه به زیرساخت‌های ارتباطی؛ چراکه زیرساخت‌های ارتباطی یکی از پایه‌های توسعه مراودات و پیشرفت اقتصادی‌اند؛
- استفاده از قوانین و بهره‌گیری از سیاست‌های مالی درست به‌منظور جذب سرمایه‌گذار و افزایش میزان کارآفرینی در سطح استان؛
- استفاده از ظرفیت‌های دانشگاهی در بحث ارتباط مستمر اساتید علمی با مدیران ارشد در سطح اجرایی برای بهره‌گیری بهتر و مؤثرتر از سرمایه انسانی استان به‌منظور افزایش میزان رقابت‌پذیری آن؛
- برپایی و احیای کارخانه‌ها و حمایت از طرح‌های مختلف کشاورزی در سطح استان در راستای بهره‌گیری از سرمایه انسانی، سهولت راه‌اندازی کسب‌وکار و به‌دنبال آن جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه جوانان، جذب سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و فراهم‌کردن امنیت سرمایه‌گذاری در این حیطه در استان.

ازجمله محدودیت‌های پژوهش می‌توان به دشواری در شناسایی و دسترسی به کارشناسان خبره در ارگان‌ها و ادارات مختلف درباره موضوع پژوهش و همچنین همکاری‌نکردن در تکمیل پرسش‌نامه‌های پژوهش اشاره می‌کرد.

کتابنامه

۱. بهمن پورخالصی، ح.، و نوریان، ف. (۱۳۹۶). شناسایی بخش‌های رقابت‌پذیر منطقه‌ای در استان فارس. *نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی*، ۲۲ (۳)، ۳۳-٤٤.

۲. پورصفوی، س. م.، و جعفری، ش. (۱۳۹٦). ارزیابی رقابت‌پذیری منطقه‌ای در مناطق شهری عملکردی استان مازندران با استفاده از تحلیل خوشه‌ای. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، *٤۹*(٤)، ۸۰۷–۸۲۰.

۳. تیموری، ر. (۱۳۹۵). *الگوسازی ساختار اکولوژیکی توسعه فضای سبز شهری با رویکرد آینده‌پژوهی (نمونه موردی: کلان‌شهر تبریز)* (رساله دکتری تخصصی رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

٤. چراغی، ر.، قائد رحمتی، ص.، مشکینی، ا.، و قادرمرزی، ح. (۱٤۰۰). تبیین نقش ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهرهای میانی ایران (موردمطالعه: شهرهای سنندج و زنجان). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، *۵۳*(۲)، ٤۲۷–٤۵۱.

۵. حاتمی‌نژاد، ح.، پوراحمد، ا.، و نصرتی هشی، م. (۱۳۹۸). آینده‌پژوهی در بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: ناحیه یک منطقه ۹ شهر تهران). *نشریه اطلاعات جغرافیایی*، *۲۸*(۱۰۹)، ۳۷–۵۵.

٦. خضرایی شولای فر، م.، و کرکه آبادی، ز. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری شهری بر اساس مدل پیشنهادی Saez و با تکیه بر مفهوم Coopetition (مطالعه موردی: شهر تهران). *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، *۱۱*(۱)، ۱۱۱–۱۳۰.

۷. داداش پور، ه.، و احمدی، ف. (۱۳۸۹). رقابت‌پذیری منطقه‌ای به‌مثابه رویکردی نوین در توسعه منطقه‌ای. *نشریه راهبرد یاس*، (۲۲)، ۵۱–۸۱.

۸. داداش پور، ه.، و ده ده جانی، م. (۱٤۹٤). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل ریشه‌ای تأثیرگذار در ارتقای رقابت‌پذیری منطقه‌ای مورد مطالعاتی: استان کردستان. *نشریه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، *۵*(۱۹)، ۲۷–٤۲.

۹. ساسانی، ع.، شاه‌حسینی، م. ع.، و رضوانی، م. (۱۳۹۸). ارائه مدل رقابت‌پذیری منطقه‌ای مبتنی بر ساختار اکوسیستم کارآفرینی دانش‌بنیان. *مدیریت منابع طبیعی در صنعت نفت*، *۱۱*(٤٤)، ۳۳–٦۳.

۱۰. *سالنامه آماری استان آذربایجان شرقی*. (۱۳۹۵). مرکز آمار.

۱۱. شریف زادگان، ح.، و ندایی طوسی، س. (۱۳۹۵). سنجش مناسب به‌کارگیری مؤلفه‌های موفقیت رقابت‌پذیری توسعه منطقه‌ای در ایران. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، *٤۸*(۱)، ۱۰۵–۱۲۳.

۱۲. شمس، ش.، حسینی، ا.، و خورشیدیان، ر. (۱۳۹۵). تحلیل و ارزیابی کاربرد روش‌های سلسله مراتبی فازی در اولویت‌بندی و سناریوهای توسعه گردشگری روستایی مطالعه موردی استان مازندران. *مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، *۵*(۱۸)، ۱۸۷–۱۵۸.

۱۳. صابونی، س.، بهزادفر، م.، و صارمی، ح. (۱۳۹۹). رقابت‌پذیری شهرهای جدید (نمونه مطالعاتی: شهر جدید پرند). *نشریه مدل‌سازی اقتصادی، ۱۴*(۵۲)، ۱۲۱–۱۴۴.

۱۴. طورانی، ع. (۱۳۹۵). *آینده‌نگاری توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تأکید بر پیوند روستا–شهری (مطالعه موردی: شهرستان مینودشت)* (رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۱۵. علی‌اکبری، ا.، اکبری، م.، انصاری، م.، و بوستان احمدی، و. (۱۳۹۸). سنجش و تحلیل شاخص‌های رقابت‌پذیری در کشورهای غرب آسیا با تأکید بر ایران. *نشریه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۹*(۳۳)، ۱–۱۴.

۱۶. علی‌اکبری، ا.، خدادادکاشی، ف.، و کماسی، ح. (۱۳۹۷). ارزیابی رقابت‌پذیری اقتصادی کلان‌شهری‌های ایران. *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۸*(۲۹)، ۱۳–۲۶.

۱۷. عیوضلو، د. (۱۳۹۷). *رقابت‌پذیری پایدار شهری در چارچوب همکاری محلی–منطقه‌ای (مطالعه موردی کلان‌شهر تهران)* (رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۱۸. فیض‌پورم. ع.، مجیبی فر، م.، و مهدی‌زاده شاهی، م. (۱۳۹۶). رقابت‌پذیری شهری و جایگاه تهران در میان کلان‌شهرهای ایران. *آمایش سیاسی فضا، ۱*(۱)، ۲۳–۳۰.

۱۹. قربانی، ر.، و کاظمی‌زاد، ش. (۱۳۹۸). تحلیلی بر عوامل مؤثر در رقابت‌پذیری شهری بر پایه روش سناریونویسی (موردشناسی: شهر تبریز). *فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری–منطقه‌ای، ۹*(۳۰)، ۱۹–۳۸.

۲۰. کارگر سامانی، ا. (۱۳۹۳). *طراحی مدل رقابت‌پذیری شهری با تکیه بر شاخص‌های حکمرانی خوب شهری در بستر فرایند جهانی‌شدن* (رساله دکتری دانشکده امور اقتصادی). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲۱. گلزار طاهر، س. (۱۳۹۷). *به‌کارگیری رویکرد بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا به منظور ارتقای رقابت‌پذیری شهر (مطالعه موردی: شهر آمل)* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده هنر و معماری). دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۲۲. محمدی آیدغمیش، ف.، و رفیعیان، م. (۱۳۹۶). ارزیابی مؤلفه‌های رقابت‌پذیری سرزمینی در استان‌های کشور با استفاده از مدل تلفیقی تحلیل عاملی و فرایند تحلیل شبکه‌ای. *پژوهش‌های اقتصادی و توسعه منطقه‌ای، ۲۴*(۱۳)، ۵۵–۸۵.

۲۳. مرادی، ف.، سعیده زرآبادی ز. س.، و ماجدی، ح. (۱۳۹٦). تبیین مدل برندسازی شهری در راستای ارتقای رقابت‌پذیری و رشد اقتصاد شهری با استفاده از مدل F'ANP. *فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*، ٦ (۲)، ۳۳-٥٦.

۲٤. معاونت توسعه و برنامه‌ریزی. (۱۳۹۷). *سند آمایش استان آذربایجان شرقی*. تبریز: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی.

۲٥. مولایی، ا. (۱۳۹۸). بازشناسی ظرفیت‌های رقابت‌پذیری شهری و منطقه‌ای هویت محور مطالعه موردی: شهر ارومیه. *فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۹(۳۲)، ۱۲۸-۱٥٥.

26. Abdullah, J. (2012). City competitiveness and urban sprawl: Their implications to socio-economic and cultural life in Malaysian cities. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *50*, 20-29.
27. Ballandonne, M. (2020). The history of futures studies: A note on Gilfillan's early work. *Technological Forecasting and Social Change*, *157*, 119983.
28. Buckley, P. J., Pass, C. L., & Prescott, K. (1988). Measures of international competitiveness: A critical survey. *Journal of Marketing Management*, *4*(2), 175-200.
29. Delgado, A (2016). *MNCs agglomeration and its effects on regional competitiveness* (Master's thesis). Aalborg University, Aalborg, Denmark.
30. Dolan, T. E. (2014). Does the principle of informed consent apply to futures studies research? *Futures*, *71*, 114-121.
31. Van der Duin, P., Heger, T., & Schlesinger, M. D. (2014). Toward networked foresight? Exploring the use of futures research in innovation networks. *Futures*, *59*, 62-78.
32. Feurer, R., & Chaharbaghi, K. (1994). Defining competitiveness: A holistic approach. *Management Decision*, *32*(2), 49-58.
33. Fors, P. (2020). *How a new futures research method can facilitate organisations to thrive in change* (Master's thesis in Future Studies). University of Turku, Turku, Finland.
34. Gundersen, F., Langeland, O., & Aarhaug, J. (2017). Work place location, transport and urban competitiveness: The Oslo case. *Transportation Research Procedia*, *26*, 196-206.
35. Hein, C. M. (2015). Urban planning, competitions and exhibitions. In J. D. Wright (Ed.),. *International encyclopedia of the social & behavioral sciences* (2nd ed.). (pp. 882-888). Amsterdam: Elsevier.
36. Heintel, M., Wanner, A., & Weixlbaumer, N. (2018). Regional development between cohesion and competition–current theses and fields of action. *European Countryside*, *10*(3), 516-527.

37. Huber, P., Fritz. O., & Gacs, V. (2003). a study on the factors of regional competitiveness. *WIFO Studies*. WIFO, number 25005.
38. Huggins, R. (2010). Regional competitive intelligence: Benchmarking and policy-making. *Regional Studies*, *44*(5), 639-658.
39. Huggins, R., Izushi, H., & Thompson, P. (2013). Regional competitiveness: Theories and methodologies for empirical analysis. *Journal of CENTRUM Cathedra: The Business and Economics Research Journal*, *6*(2), 155-172.
40. Jahn, R., & Koller, H. (2019). Foresight as a facilitator for innovative capability and organizational adaptability: Insights from a family firm in the HVAC industry. In A. D. Schreiber, & Z. L. Berge (Eds.), *Futures thinking and organizational policy* (pp. 91-111). Cham: Springer.
41. Jenkins, T. C. (2021). *Integrating strategic foresight processes to improve regional plan-ning: Four intuitive scenarios for Wales' regional futures* (Master's thesis in Future Studies). University of Turku, Turku, Finland.
42. Jiang, Y., & Shen, J. (2013). Weighting for what? A comparison of two weighting methods for measuring urban competitiveness. *Habitat International*, *38*, 167-174.
43. Kresl, P., & Singh, B. (2012). Urban competitiveness and US metropolitan centres. *Urban Studies*, *49*(2), 239-254.
44. Kurki, S. (2020). *Foresight and transformation: Observing pioneers in our changing societies* (Doctoral dissertation in Future Studies). University of Turku, Turku, Finland.
45. Kuusipalo, M. (2021). *Business ecosystems utilizing strategic foresight for gaining insights on how business ecosystems are managed in the future and what challenges they face* (Master's thesis in Future Studies). University of Turku, Turku, Finland
46. Martinez, C. T. (2021). *Using foresight in business ecosystems and innovation ecosystems* (Master's thesis in Future Studies). University of Turku, Turku, Finland.
47. Moirangthem, N. S., & Nag, B. (2020). Developing a framework of regional competitiveness using macro and microeconomic factors and evaluating sources of change in regional competitiveness in India using Malmquist Productivity Index. *International Journal of Global Business and Competitiveness*, *15*(2), 61-79.
48. Nifatova, O., & Dudko, P. (2020). Methodological approach to evaluation of component intellectual potential in business processes of integrated structures. *Management*, *32*(2), 53-64.
49. Omoregie, E. M., & Thomson, K. J. (2001). Measuring regional competitiveness in oilseeds production and processing in Nigeria: a spatial equilibrium modelling approach. *Agricultural Economics*, *26*(3), 281-294.
50. Parkkinen, M., & Heinonen, S. (2018). *Encountering multiple futures finnish survivalism as an anticipatory approach* (Master's thesis in Future Studies). University of Turku, Turku, Finland.

51. Pires, I. M. M. (2020). Regional competition, regional dumping. In A. Kobayashi (Ed.), *International encyclopedia of human geography* (2nd ed.). (pp. 243–251). Amsterdam: Elsevier.
52. Popescu, R. I. (2011). Study regarding the ways of measuring cities competitiveness, Economia. *Seria Management*, *14*(2), 288-303.
53. Pouru, L., Dufva, M., & Niinisalo, T. (2019). Creating organizational futures knowledge in Finnish companies. *Technological Forecasting and Social Change*, *140*, 84–91.
54. Rhisiart, M., Störmer, E. & Daheim, C. (2017). From foresight to impact? The 2030 Fu-ture of Work scenarios. *Technological Forecasting & Social Change*, *124*, 203–213.
55. Rialland, A., & Wold, K. E. (2009). *Future studies, foresight and scenarios as basis for better strategic decisions*. Trondheim.
56. Rohrbeck, R., & Schwarz, J. (2013). The value contribution of strategic foresight: Insights from an empirical study of large European companies. *Technological Fore-casting & Social Change*, *80*(8), 1593–1606.
57. Ručinska, S. I. L. V. I. A., & Ručinsky, R. (2007). Factors of regional competitiveness. *Paper presented at the 2nd Central European Conference in Regional Science–CERS*, Novy Smokovec, Slovakia.
58. Saez, L., & Perianez, I. (2015), Benchmarking urban competitiveness in Europe to attract investment. *Cities*, *48*, 76-85.
59. Schreiber, D. A. (2019). Organizational capability model for futures thinking. In D. A. Schreiber, & Z. L. Berge (Eds.), *Futures thinking and organizational policy: Case studies for managing rapid change in technology, globalization and workforce diversity* (pp. 35–53). Cham: Springer International Publishing.
60. Seitkazieva, A., Zhunisbekova, G., & Tazabekova, A. (2018). Intellectual potential as a key factor of the region's competitiveness. *IFAC-PapersOnLine*, *51*(30), 177–180.
61. Sinkkila, L. (2021). *Becoming a forerunner in foresight–Key elements of success in organizational foresigh* (Master's thesis in Future Studies). University of Turku, Turku, Finland.
62. Vukovic, D., & Wei, L. (2010). Regional competitiveness: the case of western Chin. *Journal of the Geographical Institute Jovan Cvijic SASA*, *60*(1), 107-124.